



Adaptation of Ju'alah contract and international contracting contracts and feasibility of using Ju'alah contract in contracting contracts

Seyed Ali Asghar Rahimi¹, Masoumeh Vahedi²

¹ Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, Email: aa.rahimi@qom.ac.ir

² MA Graduate of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (**Corresponding Author**), Email: m.vahedi1991@gmail.com

Abstract

As societies evolve, new types of contracts emerge in response to changing conditions. Legal scholars typically adopt two approaches to analyzing such contracts: either they classify them within the framework of recognized nominate contracts or they consider them as innominate contracts under Article 10 of the Iranian Civil Code. One notable example of such modern agreements is the construction contract. Among the aforementioned approaches, the first—classifying new contracts under existing contract types—holds particular weight. The Civil Code of Iran recognizes the Ju'alah contract as a flexible and adaptable legal instrument. Given its characteristics, this contract may, in certain cases, serve as an alternative to conventional construction agreements. This study employs a descriptive-analytical method to explore the features, applications, and legal structure of both Ju'alah and construction contracts. The core question it addresses is whether Ju'alah can effectively substitute for construction contracts. The findings suggest that, in specific circumstances, the Ju'alah contract may indeed provide a viable legal framework for certain types of contracting relationships.

Keywords: Ju'alah contract, construction contracts, termination of construction contracts, Article 46 of the General Conditions of Contract, Article 48 of the General Conditions of Contract.

Received: 2024/01/08 ; **Revised:** 2024/02/22 ; **Accepted:** 2024/05/16 ; **Published online:** 2024/12/21

How To Cite: Rahimi, Seyed Ali Asghar; Vahedi, Masoumeh (2023). Adaptation of Ju'alah contract and international contracting contracts and feasibility of using Ju'alah contract in contracting contracts, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(4), 21-44.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.10289.2495>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



تطبیق عقد جعاله و قراردادهای بین‌المللی پیمانکاری و امکان‌سنجی استفاده از عقد جعاله در قراردادهای پیمانکاری

سید علی اصغر رحیمی^۱، معصومه واحدی^۲

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: aa.rahimi@qom.ac.ir
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: m.vahedi1991@gmail.com

چکیده

با توجه به پیشرفت جوامع، قراردادهایی متناسب با شرایط جدید ایجاد می‌شود که حقوق دانان در برخورد با این قراردادها دو رویکرد دارند: یا ماهیت این قراردادها را همان قراردادهای معین موجود می‌دانند یا آن را در ذیل قراردادهای ماده ۱۰ قانون مدنی قرار می‌دهند. یکی از این قراردادهای نوظهور قراردادهای عرصه پیمانکاری هستند که با توجه به دلایلی که از هر دو گروه ارائه می‌شود، نظر قائلین به رویکرد اول قابل توجه است. در قانون مدنی از عقد جعاله با ویژگی‌های خاص و منعطفی نام برده شده که به دلیل شرایط، ویژگی‌ها و اوصافی که دارد، امکان بهره‌گیری از این عقد در برخی موارد به جای قراردادهای پیمانکاری وجود دارد. در این تحقیق، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، سعی بر آن شده است که با بررسی کامل ویژگی‌ها و موارد استفاده عقد جعاله و قراردادهای پیمانکاری پاسخ به این سؤال اصلی داده شود که آیا می‌توان از قرارداد جعاله به جای قرارداد پیمانکاری بهره برد یا خیر؟ در نهایت، با توجه به ویژگی‌های عقد جعاله می‌توان گفت امکان جایگزینی عقد جعاله با برخی از قراردادهای پیمانکاری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: عقد جعاله، قراردادهای پیمانکاری، فسخ قراردادهای پیمانکاری، ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان، ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱
استاد به این مقاله: رحیمی، سید علی اصغر، واحدی، معصومه (۱۴۰۳). تطبیق عقد جعاله و قراردادهای بین‌المللی پیمانکاری و امکان‌سنجی استفاده از عقد جعاله در قراردادهای پیمانکاری، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱ (۴)، ۲۱-۴۴.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.10289.2495>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

قراردادهای پیمانکاری، یکی از پدیده‌هایی است که به مقدار زیادی معلول پیشرفت‌ها و توسعه اقتصادی و صنعتی جهان است که با انقلاب مشروطه در ایران نیز مطرح شد. موضوع این قراردادها ممکن است ایجاد ساختمان یا حمل و نقل و یا تهیه و تدارک کالا یا انجام عملی باشد (ماده ۱۱ قانون مالیات بر درآمد ۱۳۳۹). قراردادهای طراحی و ساخت، قرارداد مهندسی تأمین تجهیزات و اجرا (EPC) و یا قراردادهای ساخت و توسعه از انواع رایج قراردادهای پیمانکاری هستند. امروزه این قراردادها به‌طور وسیعی در جامعه استفاده می‌شود و یکی از پرکاربردترین قراردادهای جامعه است؛ چه در حوزه حقوق خصوصی و چه در حوزه حقوق عمومی افراد و دولت برای انجام پروژه‌های صنعتی ناگزیر از استفاده از این قراردادها هستند. برخلاف استفاده فراوان از این قراردادها ماهیت آن‌ها به خوبی تبیین نشده است. در قراردادهای پیمانکاری، دو طرف قرارداد شامل پیمانکار و کارفرما هستند که کارفرما برای انجام پروژه مورد نظر خود با پیمانکار قرارداد منعقد می‌کند. این قراردادها انواع مختلفی دارند که متناسب با هر قرارداد، تعهدات کارفرما و پیمانکار تعیین می‌شود.

در نظام حقوقی ما، نهاد حقوقی به نام عقد جعاله وجود دارد. عقد جعاله عبارت است از التزام شخص به پرداخت اجرت و پاداش معلوم در مقابل عملی، اعم از اینکه عامل، معین باشد یا خیر. بنابر ماده ۵۶۱ قانون مدنی، جعاله دو نوع است: جعاله خاص که ایجاب برای شخص معین است و طرف خطاب یک یا چند نفر خاص هستند و جعاله عام که در این نوع جعاله هدف جاعل رسیدن به مقصود است و فرقی ندارد که کار مورد نظر توسط چه کسی انجام شود. آنچه مدنظر است قرارداد جعاله خاص است که جاعل انجام کاری را از عامل معین در برابر پاداشی می‌خواهد. در این عقد نیز تعهد به نتیجه وجود دارد، یعنی زمانی که عامل عمل مورد نظر را انجام دهد استحقاق اجرت را خواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۳۰۰).

این نهاد حقوقی اگرچه در گذشته برای پیدا کردن اشیاء گمشده استفاده می‌شد، ولی امروزه کارکردهای فراوانی برای این نهاد تعریف شده است (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۲)؛ از جمله اینکه در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۳ بیان شده که عملیات بانکی بدون ربا از طریق ده عقد شرعی صورت می‌گیرد که یکی از آن‌ها عقد جعاله است. در ماده ۱۶ قانون مزبور این‌گونه آمده است: بانک‌ها به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی و بازرگانی و خدماتی مبادرت به جعاله نمایند. پس بنابراین ماده، جعاله در همه بخش‌های اقتصادی کاربرد دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، جعاله دارای کاربرد وسیعی است. از ویژگی‌های عقد جعاله که استفاده از آن را در قراردادهای امروزی راحت‌تر کرده این است که نیازی به تعیین دقیق موضوع تعهد نیست و علم اجمالی در آن کفایت می‌کند. ویژگی که در برخی قراردادهای پیمانکاری نیز به چشم می‌خورد.

قراردادهای پیمانکاری و عقد جعاله هر دو از عقود عهدی هستند؛ یعنی یک طرف تعهد به پرداخت اجرت و یک طرف تعهد به انجام کار درخواست شده دارد. بنابر آنچه گفته شد قراردادهای پیمانکاری بسیار به عقد جعاله نزدیک هستند، هرچند تفاوت‌هایی نیز بین این دو نهاد وجود دارد. ازجمله تفاوت‌هایی که بین دو نهاد مزبور وجود دارد این است که عقد جعاله عقدی جایز است و با اراده هر یک از طرفین قابل فسخ است، همچنین با فوت و حجر طرفین عقد از بین می‌رود و قراردادهای پیمانکاری به‌عنوان عقود لازم شناخته شده‌اند؛ ولی نکته‌ای که در این بین به چشم می‌خورد این است که در شرایط عمومی پیمان مواد ۴۶ و ۴۸ مواردی را برای فسخ و خاتمه قراردادهای پیمانکاری بیان کرده است که چیزی فراتر از اختیار شرط و شرط‌خیاری است که در قانون مدنی پیش‌بینی شده است. این موارد قراردادهای مزبور را به عقود جایزی مثل عقد جعاله نزدیک کرده است. با توجه به ویژگی‌هایی که از هر دو عقد بیان شد، این دیدگاه تقویت می‌شود که امکان استفاده از عقد جعاله، به‌عنوان نهاد کاملاً شناخته شده و ویژگی‌هایی که انعقاد این عقد را سهل‌تر کرده است در قراردادهای پیمانکاری نیز وجود دارد.

قراردادهای مزبور به‌عنوان قراردادهای ذیل ماده ۱۰ شناخته می‌شود (سلطانخواه، ۱۳۹۲: ۵۲)، ولی بایستی این نکته را خاطر نشان کرد که تا زمانی که رابطه حقوقی مشمول یکی از عقود معین شود، نمی‌توان آن را ذیل ماده ۱۰ قانون مدنی تعریف کرد و اگر نهادی در عقود معین داشته باشیم که بتوانیم قراردادهای صورت گرفته را با آن تطبیق دهیم، ابتدا باید از این چارچوب مشخص که همه زوایای آن معلوم است، استفاده کنیم و همان ابتدا به‌ساکن نمی‌توان به ماده مزبور استناد کرد. در مورد قراردادهای پیمانکاری نیز ابتدا باید به‌طور دقیق و از همه جنبه‌ها امکان تطبیق آن با عقود که از جهاتی با این قراردادها مشابهت دارد، بررسی گردد تا به نتیجه درست در مورد ماهیت این قراردادها دست یافت. یکی از عقود که این قراردادها به آن نزدیک است عقد جعاله است. این تحقیق با هدف تطبیق و امکان‌سنجی به‌کارگیری عقد جعاله در قراردادهای پیمانکاری سعی نموده تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که آیا امکان استفاده از عقد جعاله در قراردادهای مختلف پیمانکاری وجود دارد؟ و چگونه ویژگی این عقود با یکدیگر قابل جمع است؟ بنابراین این مقاله سعی نموده در دو بخش نسبت به بررسی این موضوع اقدام نماید. در بخش اول، شباهت و تفاوت‌های قراردادهای پیمانکاری با عقد جعاله مورد بررسی قرار گرفته و در بخش دوم، امکان پیاده‌سازی انواع قراردادهای پیمانکاری در قالب عقد جعاله مورد بحث واقع شده است.

۱. تطبیق قراردادهای پیمانکاری بر ویژگی‌های عقد جعاله

برای پاسخ به این سؤال که آیا دو قرارداد به هم نزدیک هستند و امکان تطبیق وجود دارد، بایستی وجوه اشتراک و تمایز بین دو قرارداد به خوبی تبیین گردد. در راستای این هدف، شباهت‌ها و تفاوت‌های بین عقد جعاله و قراردادهای پیمانکاری در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. شباهت‌ها

شباهت‌های زیادی بین قراردادهای پیمانکاری و عقد جماله وجود دارد. قراردادهای پیمانکاری جزء قراردادهای نوظهور هستند که ماهیت آن‌ها به شدت مورد بحث است به دلیل شباهت این قراردادها با عقد جماله است که برخی برای تبیین ماهیت این قراردادها از تطبیق آن‌ها بر عقد جماله استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که این دو از همدیگر جدا و هر کدام عقد مستقلی هستند، ولی درعین حال برای امکان استفاده از عقد جماله در این قراردادها بایستی ماهیت این دو به هم نزدیک باشد.

۱-۱-۱. عقد بودن

جعاله، از جمله قراردادهایی است که ماهیت آن محل بحث و تأمل است (دادمرزی، ۱۳۹۷: ۵۸) و در مورد عقد یا ایقاع بودن جعاله اختلاف نظر وجود دارد (رجوع کنید به: خویی، ۱۴۱۰ ه.ق: ۱۲۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷: ۴۰۳؛ کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۹۲)، البته بایستی گفت که عقد بودن جعاله خاص مورد توافق همه صاحب‌نظران قرار دارد (نقدی دو رباطی، ۱۳۹۰: ۱۸۶). در بحث قراردادهای پیمانکاری و عقد جعاله آنچه مد نظر است، همین نوع مزبور از عقد جعاله است که بدون تردید عقد تلقی و با توافق دو اراده ایجاد می‌شود و جعاله عام را نمی‌توان با قرارداد پیمانکاری مقایسه کرد؛ زیرا در جعاله عام ایجاب خطاب به عموم گفته می‌شود و بعضاً تا بعد از انجام عمل یا تحویل عمل مورد جعاله از شخصیت عامل هیچ اطلاعاتی در دسترس نیست. درحالی‌که در قراردادهای پیمانکاری، پیمانکار در هنگام انعقاد قرارداد معین است (اتحاد، ۱۳۹۳: ۱۲). قراردادهای پیمانکاری نیز بدون تردید و اختلاف جز عقود قرار می‌گیرد، در قراردادهای سه عاملی با اراده پیمانکار، کارفرما و مشاور ایجاد و در قراردادهای دوعاملی با اراده کارفرما و پیمانکار خلق می‌شود، هر چند در پیمانکاری‌های دولتی که از طریق برگزاری مناقصه منعقد می‌شوند، دعوت خطاب به عموم صورت می‌پذیرد، ولی انعقاد قرارداد پس از بررسی پیشنهادها و قبول یکی از آن‌ها انجام می‌شود که این را نمی‌توان با جعاله عام یکی دانست.

۱-۱-۱-۱. بانام بودن هر دو عقد

عقد جعاله، از جمله عقود معین در قانون مدنی و از جمله عقود است که در قانون عملیات بانکی بدون ربا از آن یاد شده است. قراردادهای پیمانکاری نیز هر چند جزء عقود معین قانون مدنی نیستند، ولی از جمله عقود با نام هستند؛ زیرا نام آن‌ها در قوانین چهارم و پنجم توسعه آمده است و احکام و شرایط آن در شرایط عمومی پیمان بیان شده است.

۱-۱-۱-۲. عهدی بودن

عقد جعاله و هم قراردادهای پیمانکاری از جمله عقود عهدی هستند. در این عقود یک طرف تعهد به انجام کار مورد نظر می‌کند و طرف مقابل متعهد به پرداخت اجرت در برابر آن می‌کند و پس از انجام

عمل مورد قرارداد هست که فرد مستحق اجرت می‌شود.

۳-۱-۱-۱. تعهد به نتیجه

در قراردادهای پیمانکاری و جعله تعهدات از نوع تعهد به نتیجه است، یعنی هدف از این قراردادها رسیدن به آن نتیجه‌ای است که برای آن قرارداد ایجاد شده است و بدون حصول آن، قرارداد انجام نشده، محسوب می‌گردد. البته در برخی از موارد هر چند هدف عقد به‌طور کامل به دست نیامده است، اما تا میزانی که قرارداد انجام شده است، عامل مستحق اجرت خواهد بود که این مورد در برخی از قراردادهای پیمانکاری نیز صادق است. در تعهد به نتیجه، متعهد مکلف است نتیجه‌ای که از عقد حاصل می‌شود را در اختیار متعهدله قرار دهد. در این نوع از تعهد، هدف انجام عمل معین برای رسیدن به نتیجه‌ای است که از آن عمل به دست می‌آید (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸: ۴۹).

۳-۱-۱-۳-۱. تعهد به نتیجه در انواع قراردادهای پیمانکاری

برای روشن شدن موضوع بهتر است هر یک از قراردادهای پیمانکاری را با توجه به ویژگی‌های هر کدام، مورد بررسی قرار دهیم.

الف. قرارداد کلید در دست: در این قرارداد پیمانکار تعهد دارد پروژه را به‌طور کامل و در شرایط بهره‌برداری به کارفرما تحویل دهد. در این نوع قرارداد، کارفرما تنها با چرخاندن یک کلید، پروژه را راه‌اندازی می‌کند؛ از این رو، تحویل پروژه به‌عنوان یک سیستم کاملاً بهره‌برداری شده، تحقق تعهد پیمانکار به نتیجه محسوب می‌شود. بدین ترتیب، «قرارداد کلید در دست» به معنای تحویل کلیدهای یک پروژه به‌کار انداخته شده در ازای مبلغ توافق شده است که نشانگر تعهد به نتیجه بودن تعهدات پیمانکار می‌باشد.

ب. قراردادهای ساخت و بهره‌برداری و انتقال: در این نوع از قرارداد، پیمانکار متعهد است که یک پروژه‌ای را بسازد و از آن بهره‌برداری نماید و تمام دستمزد و هزینه‌های خود را در مدت بهره‌برداری و استفاده از آنکه در قرارداد مشخص می‌شود، برداشت نماید و پس از این مدت پروژه را به‌کارفرما منتقل کند، با انتقال پروژه است که تعهد به‌طور کامل انجام شده تلقی می‌شود. در اینجا تعهد پیمانکار به ساخت پروژه تعهد به نتیجه هست و با ساخت پروژه است که وی می‌تواند از آن بهره‌برداری نموده و دستمزد و هزینه‌های خود را استهلاک نماید.

ج. قراردادهای طراحی و تأمین تجهیزات و ساخت: در این مورد نیز باید گفت که تعهدات از نوع تعهد به نتیجه است. در این قراردادها پیمانکار تمام مراحل یک پروژه را بر عهده دارد و تعهد وی زمانی انجام شده است که پروژه مورد قرارداد را بسازد و با ساخت آن مطلوب کارفرما انجام شده است. در قراردادهایی از این قبیل که هدف نهایی آن‌ها ساخت یک پروژه است، اگر به هر دلیلی قرارداد

نیمه‌تمام باقی بماند و نتیجه مورد نظر محقق نشود، ممکن است پیمانکار به میزان عملی که انجام داده، مستحق دریافت اجرت قراردادی گردد؛ این موضوع به توافق طرفین بستگی دارد. همچنین، در برخی از این قراردادها، اگرچه دستمزد به صورت ثابت تعیین می‌شود، اما ممکن است توافق شود که پرداخت‌ها به ازای هر مرحله از کار انجام شده صورت گیرد؛ در این صورت، حتی اگر کار به اتمام نرسیده باشد، به همان میزان عملی که انجام شده، پرداخت نیز صورت می‌گیرد.

د. در قراردادهای پیمانکاری حوزه نفت و گاز، در صورت عدم کشف میادین مورد نظر عقد بدون نتیجه به اتمام می‌رسد و تمام هزینه‌هایی که پیمانکار انجام داده است بر عهده خود او خواهد بود و مستحق دریافت دستمزد و حتی این هزینه‌ها نخواهد بود.

همه این موارد گفته شده نشان‌دهنده این است که تعهدات در این موارد، از نوع تعهدات به نتیجه است؛ همان‌طور که در عقد جعاله هم به همین نحو است. هر چند در عقد جعاله هم اگر عقد نیمه‌کاره باقی بماند و به همان میزان عملی که انجام شده مطلوب جاعل باشد، عامل مستحق دریافت اجرت خواهد بود که این خود هم نشان‌دهنده مهم بودن نتیجه در این عقد است.

۲-۳-۱-۱-۱. معوض بودن

عقد جعاله و قراردادهای پیمانکاری جزء عقود معوض محسوب می‌شوند و هریک از طرفین در ازای دریافت مالی، مالی را به طرف مقابل تسلیم می‌کند. یکی از حقوقی که برای طرفین در عقود معوض وجود دارد، این است که تا زمانی که متعهد به تعهداتش عمل نکرده، طرف مقابل هم می‌تواند از انجام تعهدات متقابل خود امتناع کند که از آن با عنوان حق حبس نام برده می‌شود. عقد معوض، قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین، مالی را به طرف دیگر می‌دهد و در ازای آن مال دریافت می‌کند (صفایی، ۱۳۹۱: ۳۵). در این عقود دو عوض وجود دارد که در مقابل هم قرار دارند، یک طرف در مقابل طرف دیگر مالی را از دست می‌دهد یا تعهدی را بر عهده می‌گیرد و در مقابل مال یا تعهدی را در ازای آن دریافت می‌کند.

حق حبس در عقد جعاله وجود دارد و عامل تا زمانی که اجرت را از جاعل دریافت نکرده باشد، می‌تواند از تسلیم مال مورد جعاله خودداری نماید. در قراردادهای پیمانکاری نیز این حق وجود دارد، نمونه آن در قراردادهای EPC است، کارفرما پرداخت صورت وضعیت را منوط به انجام کار از سوی پیمانکار می‌کند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۵). در ماده ۵۳ بخشنامه شرایط عمومی پیمان این امکان به کارفرما داده شده که برای جلوگیری از ورود ضرر و زیان به خود و با شرایطی که در ماده گفته شده است در مواردی که در ادامه می‌آید از پرداخت تمام و یا قسمتی از صورت وضعیت خودداری کند و در صورت لزوم، پرداخت‌های قبلی را نیز به حساب بدهی پیمانکار منظور نماید؛ ازجمله این موارد به شرح زیر است.

الف. در مواردی که کل کار انجام شده یا قسمتی از آن نقص داشته و یا کارهایی که قبلاً انجام و تکمیل شده دارای عیب و نقصی بوده که نیاز به بازبینی و اصلاح داشته باشد.

ب. در موردی که به علت صدور دستور تغییر کارها مبلغ توافق شده در قرارداد کاهش یافته باشد و این مبلغ کاهش یافته در صورت وضعیت‌هایی که انجام شده لحاظ نشده باشد.

ج. در جایی که به علت کوتاهی پیمانکار در انجام اصلاحاتی که بایستی در زمان مقرر انجام می‌شد و کارفرما خود با توجه به بند «۵-۵» اقدام به اصلاح کارهای معیوب کرده باشد.

این موارد را می‌توان چهره‌ای از حق حبس دانست که کارفرما می‌تواند از پرداخت مبالغ به پیمانکار در قراردادهای EPC خودداری کند و خود راساً نسبت به انجام تعهد اقدام نماید. در سایر قراردادهای پیمانکاری هم می‌توان حق حبس را قائل بود، زیرا حق مزبور از امتیازهای عقود معوض است.

۱-۲. تفاوت‌ها

همان‌طور که مشاهده شد شباهت‌هایی بین قراردادهای پیمانکاری و عقد جعاله وجود دارد، از طرفی تفاوت‌هایی هم بین دو عقد مزبور وجود دارد که امکان استفاده از عقد جعاله را در قراردادهای پیمانکاری با تردید مواجه می‌کند. در ادامه به تفاوت‌های موجود بین این دو قرارداد می‌پردازیم.

۱-۲-۱. تعیین و پرداخت دستمزد

در عقد جعاله آن چیزی که تحت عنوان دستمزد تعیین می‌شود، جُعَل نام دارد. در مورد شرایط جعل مواد ۵۶۱، ۵۶۳ و ماده ۵۶۷ قانون مدنی را داریم. ماده ۵۶۱ گفته است که «جعاله عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی...» ماده ۵۶۳ این چنین مقرر کرده است که «در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست، بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هرکس گمشده او را پیدا کند، حصهٔ مشاع معینی از آن مال او خواهد بود جعاله صحیح است.» و ماده ۵۶۷ در مورد زمان پرداخت اجرت گفته است که «عامل وقتی مستحق جعل می‌گردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد.» آنچه از این مواد برداشت می‌شود این است که اولاً، بایستی اجرت معلوم باشد؛ ولی علم تفصیلی به آن نیاز نیست همین که اجرت قابل تعیین باشد، جعاله صحیح است و التزام به اجرت مجهول و مبهم باطل است (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۰۴). ثانیاً، علاوه بر اینکه مال معینی را می‌توان به عنوان دستمزد تعیین کرد، ممکن است دستمزد حصه معینی از مال مورد جعاله باشد. ثالثاً، زمان پرداخت اجرت پس از انجام عمل مورد جعاله است. در مورد قراردادهای پیمانکاری گفته شده است که اجرت بایستی معلوم باشد و علم اجمالی به اجرت امکان‌پذیر نیست.

در قراردادهای پیمانکاری متعاقدين مبلغ معینی را در ازای به پایان رساندن هر مرحله از کار توسط پیمانکار در نظر می‌گیرند. همچنین بنابر ماده ۳۶ شرایط عمومی پیمان در قراردادهای پیمانکاری

پیش‌پرداخت وجود دارد (سلطان‌خواه، ۱۳۹۲: ۴۴). این موارد به‌عنوان تفاوت‌های بین جعاله و قرارداد پیمانکاری گفته شده است، حال آنکه نمی‌توان این را تفاوت تلقی کرد؛ زیرا روش‌های مختلفی برای تعیین اجرت در قراردادهای پیمانکاری وجود دارد. در مواردی که تعیین اجرت به روش قیمت مقطوع است و یک قیمت ثابت برای کل پروژه انتخاب می‌شود، این روش کاملاً مطابق همان روش تعیین دستمزد در عقد جعاله است، اما محل اختلاف ممکن است در سایر روش‌های قیمت‌گذاری باشد، درحالی‌که در این موارد هم اگر به‌طور دقیق به آن‌ها توجه شود تفاوتی دیده نمی‌شود.

روش‌های آحاد بها و فهرست مقادیر برای پروژه‌هایی استفاده می‌شود که امکان تعیین دقیق هزینه‌ها وجود ندارد، به‌خاطر همین، برای هر مرحله قیمت ثابت تعیین می‌شود و در پایان آن مرحله پرداخت می‌شود. با توجه به این مطلب، می‌توان گفت که در قراردادهایی که از این روش قیمت‌گذاری استفاده می‌شود، هر مرحله برای کارفرما مطلوبیت دارد و با انجام و تحویل آن مرحله قرارداد تا آن انجام شده، پس پیمانکار مستحق اجرت است که این منافاتی با جعاله ندارد. در مورد معلوم بودن اجرت نیز باید تأکید کرد که در همه قراردادهای پیمانکاری امکان تعیین دقیق دستمزد وجود ندارد؛ مثلاً در مورد روش پرداخت بر مبنای هزینه، چون برآورد دقیق هزینه‌ها امکان‌پذیر نیست، مبلغی به‌عنوان مبلغ پیمان تعیین می‌شود و به‌صورت کلی مبلغ معلوم می‌شود. ولی پس از انجام کار و برآورد هزینه‌ها، مبلغ پیمان تعیین می‌شود که این خود نشان‌دهنده علم اجمالی به مبلغ پیمان دارد و یا در برخی از قراردادهای پیمانکاری از جمله قراردادهای حوزه نفت و گاز از جمله قراردادهای مشارکت در تولید که اجرت پیمانکار میزان مشخصی از تولید است و امکان تعیین حصه معینی از مواد نفتی که استخراج می‌شود، به‌عنوان پیمان بلامانع است. در این موارد، هم در اول قرارداد میزان استخراج به‌طور دقیق مشخص نیست، پس مبلغ پیمان هم که درصدی از آن است به‌طور دقیق معلوم نیست، ولی قابل تعیین است.

در مورد پیش‌پرداخت، طبق ماده ۳۶ شرایط عمومی، کارفرما می‌تواند مبلغی را به‌عنوان پیش‌پرداخت به پیمانکار پرداخت کند؛ چرا که به‌کارگیری لفظ، می‌تواند نشان‌دهنده عدم الزام این پرداخت به عنوان شرط اساسی در قرارداد پیمانکاری است. از سوی دیگر، اگرچه در عقد جعاله استحقاق عامل نسبت به دریافت جعل، تنها پس از انجام عمل به‌وجود می‌آید و پیش از انجام عمل، عامل حق دریافت هیچ مقداری از جعل را ندارد، این قاعده صرفاً مقتضای اطلاق جعاله است. طرفین می‌توانند برخلاف این اصل، توافق نمایند؛ چه‌بسا به‌منظور جلب اعتماد عامل یا تأمین مصالح مورد نیاز، تصمیم بگیرند که بخشی از جعل، به‌عنوان پیش‌پرداخت، در ابتدای کار به عامل پرداخت شود (مظاهری کوهانستانی، ۱۳۸۰: ۲۶).

۲-۲-۱. ذکر مدت در قرارداد

از تفاوت‌های دیگری که گفته می‌شود بین قراردادهای پیمانکاری و جعاله وجود دارد این است که عقد

جعاله بدون مدت است؛ یعنی مدت و زمانی برای پایان عقد مزبور در خود عقد پیش‌بینی نمی‌شود. ولی قراردادهای پیمانکاری، دارای مدت معین است و بعد از سپری شدن این مدت قرارداد خاتمه خواهد یافت. در مورد جعاله بانکی به‌صراحت امکان تعیین مدت برای جعاله پیش‌بینی شده است. در ماده ۷ دستورالعمل اجرایی جعاله آمده است که «مدت انجام و تصفیه مطالبات ناشی از جعاله حداکثر دو سال تعیین می‌گردد.» در تبصره همین ماده مدت انجام جعاله در مورد طرح‌های تولیدی و خدماتی از شمول این ماده مستثنا دانسته و تعیین مدت را به تشخیص هیئت‌مدیره هر بانک قرار داده است. پس همان‌طور که در ماده ۷ مزبور آمده است، تعیین مدت برای جعاله صحیح است و در تعیین مدت بایستی به نوع کاری که قرار است بر اساس جعاله انجام می‌شود، دقت شود.

۱-۲-۳. علم اجمالی نسبت به موضوع

مطابق بند ۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی از شرایط اساسی صحت معاملات معین بودن مورد معامله است. در صورتی که مورد معامله معین نباشد، قرارداد باطل خواهد بود. این در حالی است که خود قانون در ماده ۵۶۴ بیان کرده است که در جعاله، تعیین موضوع معامله شرط صحت نیست. تعهد پیمانکار که همان موضوع قراردادهای پیمانکاری است، چنانچه به نحوی باشد که منجر به مجهول شدن دامنه و یا حدود و ثغور آن شود، باطل خواهد بود. حال آنکه بنابر قانون مدنی و بیان فقها، جعاله ممکن است مبنی بر احتمال غرر باشد، یعنی نوعی عدم اطمینان در حصول به نتیجه وجود دارد، در حالی که این عدم اطمینان در قراردادهای پیمانکاری منجر به بطلان معامله می‌شود (امانی، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

۱-۲-۴. لازم و جایز بودن قراردادهای پیمانکاری و جعاله

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بین قراردادهای پیمانکاری و جعاله که امکان استفاده از جعاله را در این قراردادها با تردید مواجه می‌کند، لازم و جایز بودن قراردادهای پیمانکاری و جعاله است. قراردادهای پیمانکاری جزء عقود لازم به شمار می‌روند و عقد جعاله بنابر صراحت ماده ۵۶۵ قانون مدنی، جزء عقود جایز هستند. دلایلی که برای لازم بودن این قراردادها بیان شده، یکی اصل لزوم مستفاد از ماده ۲۱۹ قانون مدنی و دلیل دیگر مفاد موافقت‌نامه و سایر اسناد و مدارک آن به‌ویژه ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان که حق فسخ برای کارفرما قائل شده است (اسماعیلی هریسی، ۱۳۸۵: ۳۳۴-۳۳۵). گفته شده که این‌ها جلوه لزوم قراردادهای پیمانکاری است، زیرا امکان فسخ در مواردی محدود به کارفرما اعطاء شده است. با دقت در مواد ۴۶ و ۴۷ و همچنین ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان با مواردی مواجه می‌شویم که تردیدهایی را در مورد لازم یا جایز بودن این قراردادها ایجاد می‌کند. در شرایط عمومی پیمان برای انحلال قراردادهای پیمانکاری از دو واژه فسخ و خاتمه استفاده شده است.

فسخ در ماده ۴۶، به کار رفته و در دو بند، امکان فسخ قرارداد به کارفرما داده شده است. در بند (الف)

ماده مزبور، سیزده مورد بیان شده است که در صورت اتفاق هریک از آن‌ها کارفرما می‌تواند قرارداد پیمانکاری را فسخ کند و در بند (ب) دو مورد بیان شده که در این موارد، کارفرما قرارداد را فسخ می‌کند. در ماده ۴۸، خاتمه قرارداد در شرایط عمومی پیمان و مواد پراکنده شرایط عمومی پیمان (که به این ماده ارجاع داده شده‌اند) آمده است به این نحو که اختیار مطلق و بدون مدت خاتمه قرارداد به کارفرما داده شده است. صدر ماده ۴۸ مزبور بیان داشته است: «هرگاه پیش از اتمام کارهای موضوع پیمان، کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد، بنا به مصلحت خود یا علل دیگر، تصمیم به خاتمه دادن پیمان بگیرد، خاتمه پیمان را به پیمانکار ابلاغ می‌کند...» در مورد این موارد گفته شده است که این فسخ و خاتمه تجلی خیار تخلف از شرط و شرط خیار است؛ درعین حال نه تمامی موارد مندرج در ماده ۴۶ را می‌توان به معنای دقیق خیار تخلف از شرط دانست و نه تمامی موارد مربوط به ماده ۴۸ را خیار شرط قلمداد کرد. ولی اغلب موارد درج شده در ماده ۴۶ خیار تخلف از شرط از قسم خیار تخلف از فعل و برخی از جمله شروط فاسخ هستند.

در ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان امکان انحلال قرارداد پیمانکاری به کارفرما، در هر جایی و به هر دلیلی که مصلحت بداند، داده شده است و با خیار شرط موجود در قانون مدنی متفاوت است و یک حق فسخ مطلق برای کارفرما است که مختص قراردادهای پیمانکاری است (قدسی‌خواه و زاهدیان، ۱۳۹۴: ۱۰۷). از سوی دیگر تعیین مدت برای خیار شرط در عقود مثل بیع که هدف انتقال مالکیت است، ضروری است و اگر این شرط زمان مشخص نداشته باشد، مثل آن است که هیچ‌گاه مالکیت مستقر نمی‌شود و همیشه معلق است؛ اما در قراردادهایی مثل قراردادهای پیمانکاری که در بستر زمان تحقق می‌یابد، قرارداد خود محدود به زمان معینی است و این یعنی آنکه هر شرطی در این قرارداد گذاشته شود، محدود به مدت زمان قرارداد است. از این رو، نمی‌شود گفت شرط فسخ زمان ندارد و نامحدود است و این امر مشکل نامحدود بودن را حل خواهد کرد و اثر آنکه عدم تعلق اثر قرارداد است را نیز نخواهد داشت. پس شاید بتوان گفت همان‌طور که قانون‌گذار خیار شرط را برای بیع در نظر گرفته، باید لازم بودن تعیین زمان در این خیار را به عقود مانند بیع تسری بدهیم که مالکیت محور است، نه عقود که خود مستمر و محدود به زمان مشخصی است (خوشکام و افضل‌ی گروه، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

در ماده ۶۷ موافقت‌نامه شرایط عمومی پیمان‌های EPC همین حق برای کارفرما پیش‌بینی شده است. طبق این ماده: «کارفرما می‌تواند، بنا به مصلحت خود و بدون اعلام دلیل، در هر مقطعی پیش از تکمیل کار، پیمان را خاتمه دهد. در این صورت، طی اطلاعیه‌ای، مراتب را با مشخص کردن روز خاتمه پیمان، به پیمان‌کار اعلام می‌کند...» هرچند امکان خاتمه قرارداد پیمانکاری در چند جا برای پیمانکار نیز پیش‌بینی شده است؛ ولی این موارد محدود به شرایطی شده است که بیشتر به خیار تخلف از شرط شبیه هست تا حق فسخ مطلق. مانند حق فسخ پیمانکار در صورت تخلف کارفرما، در مواردی از قبیل تجاوز

از کاهش یا افزایش مقادیر پیمان از حق مقرر (۲۵ درصد) و یا تعلیق قرارداد زائد بر سه ماه که پیمانکار می‌تواند از حق فسخ خود استفاده کند و به پیمان خاتمه دهد (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۹۲).

در مقررات فیدیک^۱، نیز امکان فسخ قرارداد از سوی کارفرما با عنوان «حق کارفرما جهت فسخ پیمان» در ماده (۵-۱۵) پیش‌بینی شده است. بنابر این ماده، کارفرما این حق را دارد که در هر زمانی که بخواهد بنابر مصلحت خود و با ابلاغ به پیمانکار قرارداد را فسخ نماید، البته استثنایی که در این ماده آمده قابل توجه است، در ادامه ماده آمده است که کارفرما اجازه ندارد، به این دلیل که پروژه را خود یا توسط پیمانکاران دیگر انجام دهد، قرارداد را فسخ کند. با این استثناء مصلحت کارفرما محدود شده است چیزی که در شرایط عمومی پیمان به آن اشاره نشده و آنچه در قراردادهای پیمانکاری در ایران ملاک عمل قرار می‌گیرد، همین شرایط عمومی پیمان است که اگرچه خود این از مقررات فیدیک برگرفته شده ولی در تبیین ماده ۴۸ آن، استثنای ماده (۵-۱۵) مقررات فیدیک در آن کنار گذاشته شده است تا دست کارفرما بازتر باشد (ایرانپور، ۱۳۹۴: ۴۷). حق فسخ قرارداد از سوی کارفرما در قراردادهای نفتی نیز به چشم می‌خورد. در اغلب قراردادهای نفتی شرطی با عنوان شرط خاتمه و فسخ قرارداد درج می‌شود (امانی، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

با توجه به اینکه جواز و لزوم عقد جعاله، داخل در مقتضای ذات عقد نیست، لذا توافق برخلاف آن منطبق بر اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده است. هر چند بنابر نظر مشهور جعاله عقدی جایز است، اما نظرات مخالفی نیز وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان آوردن جعاله در شمار عقود جایز را اشتباه فاحش دانسته‌اند و تا حدی پیش می‌روند که معتقدند در جعاله گاه لزوم تا حدی است که شرط خیار هم در جعاله باطل است. به این معنی که در صورت شرط خیار در جعاله شرط باطل، اما مبطل عقد نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۲۴۶). همچنین در بیان مبنای انفساخ در عقود جایز در اثر فوت و حجر گفته شده است که انفساخ عقد جایز با فوت و حجر به جایز بودن عقد بر نمی‌گردد، بلکه مبنای آن اذنی بودن عقد و رابطه آن با شخصیت طرفین عقد است (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۱۳۲). همان‌گونه که در قراردادهای پیمانکاری نیز با توجه به اینکه عقدی لازم هستند، ولی با توجه به اقتضانات روزگار معاصر و کارکردهایی که این قراردادها در دنیای صنعتی معاصر دارند، امکان توافق طرفین و گنجاندن شروطی که حکم لزوم این قراردادها را در برخی موارد رفع می‌کند، وجود دارد. حکم لزوم رفع نمی‌شود، بلکه امکان فسخ داده می‌شود. در واقع قرارداد پیمانکاری لازم را شبیه به قراردادی جایز می‌کند که حتی اگر کارفرما قرارداد را با عقد جعاله نیز منعقد کند، مشکلی از لحاظ جواز این عقد برای پیمانکار پیش نمی‌آید، کما

۱. فیدیک (FIDIC) یا فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور (Fédération Internationale des Ingénieurs-Conseils) سازمانی بین‌المللی است که اقدام به ارائه خدمات و دستورالعمل‌های متنوع بین‌المللی برای قراردادهای پیمانکاری و مهندسی می‌نماید.

اینکه همین الان هم این قواعد در قراردادهای پیمانکاری جاری است. همه این‌ها نشان‌دهنده حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادها در قراردادهای امروزی است.

هر چند بایستی این نکته را نیز خاطرنشان ساخت که با همه این تفاسیر عقد جماله به‌عنوان عقد جایزی شناخته شده است که استفاده از آن در قراردادهای پیمانکاری که از استحکام و لزوم برخوردار هستند را با مشکل مواجه می‌کند، ولی با توجه به مواردی که گفته شد قراردادهای پیمانکاری با اینکه عقد لازمی شناخته شده‌اند، از لحاظ ماهیت به همین عقد جماله جایز مورد بحث بی‌شباهت هم نیستند. از سوی دیگر از راهکارهایی که برای استحکام عقود جایز نیز پیش‌بینی شده هم می‌توان استفاده کرد تا این مشکل را برطرف ساخت.

با توجه به مواردی که گفته شد، هر چند گفته می‌شود قراردادهای پیمانکاری عقدی لازم است، ولی امکان فسخ قرارداد به‌کارفرما داده شده است. کارفرما می‌تواند هر زمان که بخواهد قرارداد پیمانکاری را فسخ کند، بدون آنکه نیازی به تراضی و اعلام به طرف مقابل باشد، بلکه پس از تصمیم به فسخ قرارداد این تصمیم را به پیمانکار ابلاغ می‌کند تا پیمانکار اقدامات لازم برای خروج از پروژه را انجام دهد. این حق کارفرما شبیه به حق جاعل در عقد جماله است که می‌تواند هر زمان عقد را فسخ کند. از نظر آثار هم این دو خیلی به هم شبیه هستند؛ زیرا در قراردادهای پیمانکاری هم با فسخ قرارداد از سوی کارفرما مطابق ماده ۴۸، کارفرما موظف است که تمام هزینه‌هایی که پیمانکار تا روز فسخ برای انجام قرارداد پرداخت کرده و همچنین دستمزد وی را تا آن مرحله از کار محاسبه و پرداخت نماید، به ترتیبی که در بند (جلد) ماده مزبور پیش‌بینی شده است. همچنین بنابر بند (ز) همین ماده تضامین پیمانکار آزاد می‌شود و همچنین دستمزدهای کارفرما بنابر کارهایی که انجام شده، محاسبه و پرداخت می‌گردد، مشابه همان چیزی که در عقد جماله با فسخ از سوی جاعل، وی بایستی در برابر عامل انجام دهد. پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که قراردادهای پیمانکاری از طرف کارفرما قابل فسخ هستند.

۲. انواع قراردادهای پیمانکاری قابل اجرا در قالب عقد جماله

۲-۱. قراردادهای کلید در دست

در این نوع از قراردادها که از جمله قراردادهای دو عاملی هستند، کارفرما با اعلام نیاز به انجام پروژه‌ای خاص ايجاب خود را بیان می‌کند و با بررسی پیشنهادها، با پیمانکار دارای صلاحیت برای انجام پروژه مورد نظر قرارداد را منعقد می‌نماید. پیمانکار تمامی کارهای مربوط به پروژه را بر عهده دارد و بایستی پروژه را در زمان مقرر به کارفرما تحویل دهد. با توجه به آنچه در تعهدات طرفین بیان شد، اصلی‌ترین تعهد کارفرما پرداخت مبلغ پیمان بود که در قراردادهای کلید در دست، اکثراً به‌صورت قیمت ثابت تعیین می‌شود و کارفرما مکلف است، در صورتی که قرارداد به انجام رسید، دستمزد پیمانکار را پرداخت نماید.

تعهد اصلی پیمانکار نیز تحویل پروژه برای بهره‌برداری به کارفرماست (فرشادفر، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹). هرچند تعهدات دیگری نیز در بررسی این قراردادها برای پیمانکار بیان شد، مانند طراحی کار، ارائه گزارش به کارفرما و... که اگر به همه این وظایف دقت کنیم همگی در راستای انجام تعهد اصلی پیمانکار که به نوعی می‌شود آن را یکی از عوضین قرارداد کلید در دست نیز دانست.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، از جعاله برای انعقاد این دسته از پیمانکاری‌ها استفاده کرد، زیرا در جعاله (که البته جعاله خاص مد نظر است) هم تعهدات به همین صورت است و عامل باید کار را تحویل دهد تا مستحق دستمزد شود. در مورد پیش‌پرداخت‌ها و پرداخت اقساطی نیز همان‌گونه که در مباحث قبلی اشاره شد، اشکالی در عقد جعاله ایجاد نمی‌کند. البته در قراردادهای کلید در دست، نتیجه مهم است و معمولاً مبلغ در انتهای کار پرداخت می‌شود. غیر از پیش‌پرداخت، پرداخت‌های مرحله‌ای هم در پایان مراحل انجام می‌شود که این مراحل به یک نتیجه مشخص رسیده باشند و مجموع این مراحل انجام شده، در نهایت نتیجه واحدی خواهد داد.

۲-۲. قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال

قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال جزء قراردادهایی هستند که در پروژه‌های عمرانی و زیربنایی که حجم فعالیت‌ها بسیار وسیع است، استفاده می‌شود. به خاطر همین دارای پیچیدگی و حساسیت‌های زیادی هستند. به‌طور معمول در این قراردادها افراد زیادی دخیل هستند؛ ولی این به این معنا نیست که همگی در انعقاد قرارداد اصلی دخالت دارند، بلکه این افراد هرکدام بنابر نیاز طرف اصلی قرارداد وارد پروژه می‌شوند (اسکندری، ۱۳۹۲: ۷). پس این قراردادها نیز بین دو طرف اصلی یعنی کارفرما و یک شرکتی که انجام پروژه را بر عهده می‌گیرد، منعقد می‌شود. در این قراردادها هم مانند قراردادهای کلید در دست، تمامی کارهای مربوط به انجام پروژه بر عهده پیمانکار است با این تفاوت که در این قراردادها پیمانکار تعهد به بهره‌برداری نیز دارد. همچنین شیوه پرداخت در این قراردادها متفاوت است، به این صورت که پیمانکار تمامی هزینه‌ها و همچنین سود و دستمزد فعالیت خود را که در قرارداد تعیین می‌شود با بهره‌برداری از پروژه در دوره مشخصی، برداشت می‌نماید و بعد از اتمام دوره پروژه به کارفرما که مالک اصلی قرارداد است، منتقل می‌شود.

در نگاه اول، شاید این‌گونه به نظر برسد که در این موارد امکان استفاده از عقد جعاله نباشد، اما با کمی دقت می‌توان متوجه شد که مانعی برای آن وجود ندارد. در مورد مالکیت پروژه، مالک اصلی پروژه کارفرما است و پس از اتمام دوره بهره‌برداری مالکیت به وی منتقل می‌شود، این انتقال ناشی از خود قرارداد ساخت، بهره‌برداری و انتقال است و به دلیل ایجاد عقد دیگری مانند بیع و... نیست و همین که پروژه مورد قرارداد ساخته شد، مالکیت از آن کارفرماست هرچند به دلیل توافق صورت گرفته پیمانکار برای برداشت مبلغ پیمان از آن بهره‌برداری می‌کند. در جعاله هم جاعل مالک عمل مورد جعاله است و به

محض ساخته شدن یا ایجاد موضوع عقد مالکیت از آن جاعل خواهد بود. قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال دارای اقسام مختلفی است (صادقی، ۱۳۸۵: ۹) که در برخی از این قراردادها امکان استفاده از عقد جعاله وجود دارد. به‌طور مثال در قرارداد ساخت، انتقال و بهره‌برداری، در این نوع از قراردادها مالکیت پروژه پس از ساخت از آن کارفرماست، ولی حق بهره‌برداری از آن را به یک مؤسسه اجرایی انتقال می‌دهد. با توجه به این می‌شود گفت که این نمی‌تواند مانعی برای استفاده از عقد جعاله باشد، زیرا در عقد جعاله هم مالکیت با ساخت منقل می‌شود، هر چند پس از آن مالک استفاده از آن را به شخص دیگری واگذار کند که این خود جلوه‌ای از حق مالکیت است. در مورد قراردادهای ساخت اجاره و انتقال که نوع دیگری از قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال هستند، با ساخت پروژه مالکیت به کارفرما منتقل نمی‌شود، بلکه با اجاره همان پروژه و پرداخت اجاره‌بها مالکیت به وی منتقل می‌شود که همان اجاره به شرط تملیک است که به نظر می‌رسد با ماهیت عقد جعاله متفاوت است، زیرا هدف از ساخت در جعاله این است که عمل مورد جعاله برای جاعل است، درحالی که در اینجا مالکیت از آن عامل یا همان پیمانکار است.

۳-۲. قراردادهای حوزه نفت و گاز

هر یک از قراردادهای شایعی را که در این زمینه منعقد می‌شود، می‌توان جداگانه مورد بررسی قرار داد.

۳-۲-۱. قرارداد بیع متقابل

اولین مورد، قرارداد بیع متقابل است. قرارداد بیع متقابل متشکل از چند قرارداد مجزا از هم هست که بر اساس یک قرارداد طرفین توافق می‌کنند که پیمانکار با آوردن امکانات و تجهیزات و تکنولوژی و با ساخت یک کارخانه یا یک پروژه بستر تولید را فراهم آورد و در برابر آن کارفرما هم در قرارداد جداگانه متعهد می‌شود که محصولات تولید شده را به پیمانکار بفروشد و پیمانکار هم تعهد به خرید این محصولات دارد که با این کار هزینه‌ها و دستمزد وی پرداخت می‌شود (درویشی و فیاضی، ۱۳۹۱: ۹۶). یکی از ویژگی‌های قراردادهای بیع متقابل این است که کارفرما تا زمانی که پروژه را تحویل می‌گیرد، هیچ هزینه‌ای را تضمین نمی‌نماید و اگر پروژه‌ای موفق نشود، همه هزینه‌هایی که پیمانکار متحمل گردیده است، بر باد می‌رود (صابر، ۱۳۹۲: ۲۱۹). همچنین در این قراردادها میزان عملی که پیمانکار انجام خواهد داد، به‌طور کامل و دقیق قابل تعیین نیست، با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان گفت که این قراردادها محل و بستری مناسب برای استفاده از عقد جعاله هستند؛ زیرا خود قانون‌گذار در مورد عقد جعاله این اجازه را به طرفین داده که در مواردی که حدود و ثغور عمل نیز مشخص نیست، عقد را منعقد نمایند و عقد مزبور صحیح خواهد بود.

۳-۲-۲. قراردادهای امتیازی

دومین مورد، قراردادهای امتیازی است. در این نوع از قراردادها کارفرما برای دست یافتن به تولید نفت، بهره‌برداری از یک منطقه مشخص را برای مدت معینی به شرکت پیمانکار اعطاء می‌کند. هدف از انعقاد قرارداد رسیدن به تولید و مهم‌ترین تعهد دارنده امتیاز هم، دست یافتن به آن است. قرارداد در چند مرحله منعقد می‌شود، مانند مرحله اکتشاف و مرحله دوم تولید و مرحله بعدی توسعه باشد که هر یک از این مراحل صورت نگیرد، پیمانکار اجازه ادامه نخواهد داشت و در صورتی که به تولید نرسد، قرارداد خاتمه خواهد یافت و تمام هزینه‌هایی که وی انجام داده بر عهده خودش خواهد بود (عامری و شیر مردی دزکی، ۱۳۹۳: ۷۹).

این قراردادها بی‌شبهت به عقد جعاله نیستند، از لحاظ طرفین انعقاد قرارداد تا احتمالی بودن و نوع تعهدات که تعهد به نتیجه است، تنها موردی که متفاوت به نظر می‌رسد بحث مالکیت دارنده امتیاز نسبت به نفت تولیدی است. در حالی که باید این نکته را خاطر نشان ساخت که مالکیت مخازن، متعلق به کارفرماست و فقط مالکیت نفت تولیدی آن‌هم برای مدت مشخصی به دارنده امتیاز، بابت دستمزد و هزینه‌های وی داده شده است که این هم در عقد جعاله مورد پذیرش هست؛ زیرا در این قراردادها مالکیت اصلی از آن کارفرماست فقط برای استهلاك هزینه‌ها و سود قراردادی مالکیت آن برای مدت مشخص که دوره امتیاز نام دارد، به پیمانکار واگذار شده است. یکی از موارد مهم این قرارداد این است که نتیجه احتمالی است. با توجه به ویژگی این قراردادها مالکیت مخازن متعلق به کارفرماست و فقط مالکیت نفت تولیدی آن‌هم برای مدت مشخصی به دارنده امتیاز، بابت دستمزد و هزینه‌های وی داده شده است که این هم در عقد جعاله مورد پذیرش هست، زیرا در این قراردادها مالکیت اصلی از آن کارفرماست فقط برای استهلاك هزینه‌ها و سود قراردادی مالکیت آن برای مدت مشخص که دوره امتیاز نام دارد به پیمانکار واگذار شده است.

این قراردادها به صورت مرحله‌ای تنظیم می‌شود، مصداق همان ماده ۵۶۶ قانون مدنی می‌تواند باشد که در ماده آمده اگر عمل مورد جعاله دارای اجزاء متعدد بوده و هریک از اجزاء مقصود جاعل باشد با انجام هر جزء عامل استحقاق دستمزد خواهد داشت، حتی در جایی که قرارداد به هر علتی منحل شود عامل مستحق اجرت برای کارهای انجام شده است. در قراردادهای امتیازی هم اگر مرحله اول انجام شود و قرارداد در مرحله دوم منحل گردد، هر چند نتیجه قرارداد که رسیدن به تولید بود انجام نشده، ولی چون مرحله اول که مثلاً کشف بوده، انجام شده و پیمانکار به نسبت انجام این عمل مستحق دستمزد و هزینه‌هایی خواهد بود که در قرارداد توافق شده است، ولی اگر علت انحلال قرارداد عدم دستیابی به چاه نفت باشد، در این صورت مسلم است که هیچ‌یک از اهداف پروژه محقق نشده، پس پیمانکار هیچ استحقاقی نسبت به دستمزد و حتی هزینه‌هایی که انجام داده نخواهد داشت. همان‌طور که این مورد در

عقد جماله هم پذیرفته شده؛ زیرا هدف رسیدن به نتیجه مدنظر است، هر چند ممکن است هر مرحله برای جاعل مطلوبیت داشته باشد. با توجه به این مطالب می‌توان گفت که این مؤید احتمالی بودن دستیابی به نتیجه در قراردادهای امتیازی است که همان نقطه مشترک میان عقد جماله و این قراردادهاست.

۳-۲-۳. قراردادهای مشارکت در تولید

نوع دیگر از قراردادهایی که در حوزه نفتی استفاده می‌شود، قراردادهای مشارکت در تولید است که کارفرما اکتشاف و بهره‌برداری از محدوده معینی را به پیمانکار واگذار می‌کند و در مقابل متعهد می‌شود که حصه مشخصی از تولید را به پیمانکار پرداخت نماید. یکی از ویژگی‌های قراردادهای مشارکت در تولید که این قراردادها را از قراردادهایی مانند قرارداد امتیازی متمایز می‌کند، این است که نفت تولیدی و تجهیزات و وسایل مورد استفاده در این قرارداد در مالکیت دولت است و شرکت نفتی هیچ‌گونه حق مالکیتی ندارد. شرکت نفتی در صورت موفقیت در عملیات اکتشاف و تولید و توسعه در سود قرارداد مشارکت خواهد داشت. به این نحو که درصد مشخصی از نفت تولیدی به‌عنوان دستمزد و پرداخت هزینه‌ها به وی تعلق می‌گیرد که این هم در زمان صادرات آن مشخص خواهد شد (منظور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۵). گفته شده که کارفرما مکلف است بخشی از نفت تولیدی را تحت عنوان نفت هزینه و نفت منفعت به پیمانکار پرداخت کند (امانی و حمیدزاده، ۱۳۹۴: ۱۶۲-۱۶۴). پس پیمانکار تمامی هزینه‌های پروژه را پرداخت می‌نماید و در صورت عدم تحقق نتیجه هزینه‌ها بر عهده خود او خواهد بود. در این قراردادها مالکیت نفت تولیدی از آن خود کارفرماست و فقط حصه مشخصی از تولید در ازای خدمات پیمانکار به وی پرداخت می‌شود (Bindemann, 1996: 1) که این حق پیمانکار نسبت به نفت تولیدی یک حق دینی است؛ یعنی پس از تحقق نتیجه کارفرما مطابق قرارداد، بخشی از نفت تولیدی را در ازای دستمزد و هزینه‌های پیمانکار به او پرداخت می‌کند و پس از این است که پیمانکار نسبت به این بخش مالکیت پیدا می‌کند (امین‌زاده و آقابابایی دهکردی، ۱۳۹۳: ۱۱). این نوع تعیین دستمزد مصداق ماده ۵۶۳ قانون مدنی است که تعیین دستمزد قرارداد به‌صورت بخشی از مال معین را تجویز کرده است. کلیه این موارد نشانگر این است که در این موارد هم می‌توان از پشتوانه فقهی و حقوقی خودمان و از عقد شناخته شده جماله استفاده کرد.

۳-۲-۴. قراردادهای خدماتی

چهارمین نوع، قراردادهای خدماتی است. قرارداد خدمات توافقی است که به‌موجب آن یک طرف (ارائه‌دهنده)، ارائه خدمتی را به طرف دیگر (دریافت‌کننده) در ازای اجرت مشخص بر عهده می‌گیرد. در دو سند اصول اروپایی خدمات و چارچوب مشترک، همین تعریف آمده است

(Von Bar & Others, 2009: 4792). درواقع کارفرما برای انجام پروژه بهره‌برداری یا اکتشاف با پیمانکار قراردادی منعقد می‌کند و پیمانکار بایستی تعهدات خود را به انجام برساند و پس از تحویل پروژه به کارفرما، مبلغی که در توافق تعیین گردیده است، به وی پرداخت خواهد شد که این نوع قرارداد کاملاً با قراردادهای امتیازی و مشارکت که در حوزه نفت و گاز منعقد می‌شود، متفاوت است و پیمانکار دستمزد خود و هزینه‌هایش را به صورت نقد یا طی چند قسط دریافت خواهد کرد و دیگر هیچ سهمی از تولید را نخواهد داشت. با وجود اینکه در قراردادهای خدمت از تمامی امکانات و توانایی‌های مدیریتی و فنی شرکت‌های نفتی استفاده می‌شود، ولی درعین حال کمترین حقی نسبت به نفت تولیدی برای این شرکت‌ها ایجاد نمی‌کند، زیرا آن‌ها پیمانکاری هستند که در قبال انجام کار اجرت دریافت می‌کنند. نداشتن حق شرکت نفتی نسبت به نفت تولیدی، به این معناست که شرکت نفتی، هیچ بهره‌ای از نفت ندارد. به عبارت دیگر، تفاوتی ندارد که ماده تولیدی بر اساس قرارداد نفت یا هر ماده معدنی دیگری باشد، شرکت نفت فقط حق الزحمه و اجرت قراردادی خود را دریافت خواهد کرد (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۱۹۱).

مهم‌ترین تعهدات طرفین در این قراردادها انجام موضوع قرارداد و تأمین هزینه‌ها تعهد پیمانکار، پرداخت دستمزد پیمانکار در صورت بهره‌برداری از پروژه تعهد اصلی کارفرماست (خورسندیان و امیری، ۱۳۹۷: ۱۳۶). در این قراردادها هم وقتی پیمانکار مستحق دریافت دستمزد و مبلغ پیمان هست که عمل موضوع قرارداد را انجام داده و تحویل دهد. همه این موارد دقیقاً همان تعهداتی است که در عقد جعاله بر عهده طرفین عقد قرار دارد از سوی دیگر در این قراردادها هم کارفرما و پیمانکار برای دستیابی به اکتشاف و تولید و یا امکان بهره‌برداری از یک پروژه مورد نظر قرارداد را منعقد می‌کنند که این خود نشانه احتمالی بودن دستیابی به نتیجه است، زیرا با دستیابی به نتیجه پیمانکار مستحق دستمزد قراردادی خواهد بود. پس همه این موارد این نظر را قوت می‌بخشد که می‌توان از عقد جعاله در این نوع قراردادها هم استفاده کرد.

۳-۲-۵. قراردادهای طراحی، تأمین تجهیزات و ساخت

قراردادهای مهندسی، تأمین کالا، خدمات و ساخت به‌طور عمده در اغلب پروژه‌های زیربنایی و عظیم کشورها مورد استفاده قرار گرفته و نقش مهمی در این حوزه ایفا می‌نمایند (Picha, 2015: 398). امروزه این قراردادها همچنین، در پروژه‌های عظیم حوزه نفت و گاز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این قراردادها جزء قراردادهای دوعاملی است که به موجب آن کارفرما تمامی عملیات یک پروژه را از جمله امور طراحی، مهندسی، تهیه مصالح و تجهیزات، مدیریت طرح، اخذ مجوزهای لازم، ساخت و نصب پروژه را به پیمانکار طرف قرارداد واگذار می‌کند (علمیایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۸). بنابر این قرارداد، پیمانکار تمامی فعالیت‌های مربوط به ساخت پروژه از طراحی، تأمین تجهیزات و مصالح را بر عهده می‌گیرد. در مقابل کارفرما متعهد می‌شود که پس از تحویل گرفتن پروژه تمامی هزینه‌ها و مبلغ مورد توافق برای دستمزد را به پیمانکار بپردازد. هرچند انجام اعمال مختلفی بر عهده پیمانکار قرار دارد، اما همه این اعمال

به‌صورت واحد و یک مجموعه محسوب می‌شود و زمانی قرارداد انجام شده تلقی می‌شود که با انجام این اعمال پروژه مورد قرارداد ساخته شده باشد و انجام هر یک از این‌ها بدون منتهی شدن به نتیجه مسئولیت را از دوش پیمانکار بر نمی‌دارد (لاجوردی و حیدری، ۱۳۹۲: ۲۱). این قراردادها بسیار شبیه به قراردادهای کلید در دست هستند و تنها تمایزی که دارند در این است که در این قراردادها پیمانکار، فقط تعهد به ساخت دارد و راه‌اندازی جزء مسئولیت‌های وی نیست، اما در قراردادهای کلید در دست این وظیفه هم بر عهده پیمانکار است.

مبلغ پیمان در این قراردادها به‌صورت مقطوع و ثابت تعیین می‌شود، یعنی در ابتدای قرارداد طرفین با تعیین یک مبلغ ثابت تمامی ریسک‌های قرارداد را بر عهده پیمانکار قرار می‌دهند و کارفرما فقط به مقدار تعیین شده در برابر پیمانکار مسئول پرداخت است، دقیقاً همان مسئولیتی که جاعل در برابر عامل بر عهده دارد. همچنین در ماده ۶۷ موافقت‌نامه پیمان امکان فسخ قرارداد در هر مقطعی و بنابر هر دلیلی از سوی کارفرما پیش‌بینی شده است و پیش‌تر این مورد بیان شد، وجود همین ماده علاوه‌بر ماده مشابهی که در شرایط عمومی پیمان نیز در رابطه با همه قراردادهای گفته شده، نشان‌دهنده اهمیت این حقی است که برای کارفرما پیش‌بینی شده است. این بند قراردادهای طراحی، تأمین تجهیزات و ساخت را بسیار به عقد جعاله نزدیک کرده است. همان‌گونه که در عقد جعاله که یک عقد جایز است و جاعل این حق را دارد که عقد را در هر مرحله فسخ نماید، این حق برای کارفرما در این قراردادها به‌طور ویژه پیش‌بینی شده است.

نتیجه‌گیری

با اینکه قراردادهای پیمانکاری ماهیت و ویژگی‌های خاص خود را دارند، ولی شباهت‌های زیادی بین این قراردادها و عقد جعاله وجود دارد تا جایی که برخی حتی قراردادهای پیمانکاری را از لحاظ ماهیت همان عقد جعاله می‌دانند. هر چند نمی‌شود وجود برخی تفاوت‌ها را هم نادیده گرفت. جعاله عقدی است که دارای ریشه عمیق در فقه اسلامی است و به دلیل شرایطی که دارد امکان استفاده از این عقد در بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی وجود دارد و در عقود بانکی از این عقد با عنوان ام‌العقود یاد می‌شود؛ یعنی در همه زمینه‌ها و همه بخش‌ها به دلیل انعطافی که دارد امکان استفاده از آن وجود دارد، همچنین در قراردادهای بانکی برای امور پیمانکاری نیز از این عقد استفاده می‌شود.

با همه این تفاسیر و با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد می‌توان نتیجه گرفت که می‌شود از عقد جعاله در برخی از زمینه‌هایی که نیاز به انعقاد قرارداد پیمانکاری است، بهره برد. البته در برخی از موارد و شیوه‌های پیمانکاری نیز این امکان وجود ندارد، مانند قراردادهایی که در آن مالکیت موضوع پیمان به‌طور کامل به پیمانکار منتقل می‌شود، چون هدف از انعقاد عقد جعاله انجام عمل برای جاعل است و مالکیت عمل به جاعل تعلق دارد. یا قراردادهایی که خود قرارداد اصلی، بین بیش از یک نفر به‌عنوان طرفین اصلی قرارداد منعقد می‌شود، مانند قراردادهای به‌روش متعارف که قرارداد سه طرف اصلی دارد، هر چند در ذیل

این قراردادها که برای انجام کارها قراردادهایی را منعقد می‌کنند می‌توان از جعاله استفاده کرد، ولی در خود اصل قرارداد این امکان وجود ندارد.

هر چند در مواردی هم که گفته شد می‌توان از این قراردادها استفاده کرد، به موانعی اشاره شد که شاید در نگاه اول این نظر را با مشکل مواجه می‌کرد، ولی با دلایلی که بیان شد، می‌شود این موانع را برطرف کرد. یکی از موانع مهم لازم و جایز بودن این دو قرارداد و عقد هست که اشاره شد، با دقت در مواد شرایط عمومی پیمان و با توجه به مصلحت و اهمیت زمینه‌ها و عرصه‌هایی که این قراردادها در آن به‌کار می‌روند و همچنین با اراده طرفین می‌توان آن را برطرف کرد و می‌توان از ظرفیت‌ها و توانایی‌های یک عقد اسلامی در این زمینه‌ها هم استفاده کرد. همان‌گونه که بعد از انقلاب اسلامی عقد جعاله به‌عنوان یکی از عقود مورد استفاده در قراردادهای بانکی مطرح شد. همچنین بایستی این نکته را نیز خاطرنشان ساخت که عقد جعاله به‌عنوان عقد جایزی شناخته شده است که استفاده از آن را در قراردادهای پیمانکاری که از استحکام و لزوم برخوردار هستند، با مشکل مواجه می‌کند. ولی با توجه به مواردی که گفته شد، قراردادهای پیمانکاری هم با وجود اینکه عقد لازمی شناخته شده‌اند، از لحاظ ماهیت همان‌طور که اشاره شد، به عقد جعاله جایز مورد بحث بی‌شبهت هم نیستند، از سوی دیگر از راهکارهایی که برای استحکام عقود جایز نیز پیش‌بینی شده هم می‌توان استفاده کرد تا این مشکل را برطرف ساخت.

فهرست منابع

- اتحاد، علی مراد (۱۳۹۳ ش). *دانستنی‌های حرفه پیمانکاری*، چاپ ۵، تهران: فذک ایساتیس.
- اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۸۵ ش). *شرح حقوقی پیمان*، چاپ ۳، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- اسکندری، حامد (۱۳۹۲ ش). *بررسی تعهدات طرفین در قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- امانی، مسعود (۱۳۹۳ ش). *حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت*، چاپ ۲، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- امانی، مسعود؛ حمیدزاده محمدحسین (۱۳۹۴ ش). «تحلیل حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در صنایع بالادستی نفت و گاز و قابلیت اعمال آن در حقوق ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱۶.
- امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸ ش). *حقوق تعهدات*، جلد ۱، چاپ ۱، تهران: میزان.
- امین‌زاده، الهام؛ آقابابایی دهکردی، پیمان (۱۳۹۳ ش). «بررسی قراردادهای مشارکت در تولید و مقایسه کارایی آن با بیع متقابل»، مجله دادگستری، شماره ۷۸.
- انصاری، ولی‌الله (۱۳۷۷ ش). *کلیات حقوق قراردادهای اداری*، چاپ ۱، تهران: حقوق‌دان.
- ایرانپور، اعظم (۱۳۹۴ ش). *بررسی تطبیقی فسخ در شرایط عمومی پیمان و ضوابط فیدیک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷ ش). *دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت*، جلد ۱، چاپ ۱، تهران: گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۹ ش). *فلسفه حقوق مدنی*، جلد ۲، چاپ ۴، تهران: گنج دانش.
- خوشکام، هوشنگ؛ افضل‌ی گرو، روح‌الله (۱۳۹۷ ش). «نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه»، شماره ۴.
- خورسندیان، محمدعلی؛ امیری، میلاد (۱۳۹۷ ش). «مطالعه تطبیقی تعهدات طرفین قراردادهای خدمات در حقوق ایران و اروپا»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۹.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ه.ق). *منهاج الصالحین*، جلد ۲، چاپ ۲۷، قم: مدینه العلم.
- دادمزنی، سید مهدی؛ حیدری، اعظم (۱۳۹۷ ش). «مطالعه تطبیقی ماهیت جعاله در فقه امامیه»، حقوق ایران و غرب، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۲.
- درویشی، بابک؛ فیاضی، روح‌الله (۱۳۹۱ ش). «قرارداد بیع متقابل»، نشریه آموزه‌های حقوق مدنی، شماره ۶.
- سلطان‌خواه، حمیده (۱۳۹۲ ش). *ماهیت حقوقی پیمان و آثار و اقسام آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- صابر، محمدرضا (۱۳۹۲ ش). *بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز*، چاپ ۲، تهران: دادگستر.
- صادقی، محسن (۱۳۸۵ ش). «بررسی قراردادهای بین‌المللی ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (BOT) و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران»، پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۸.
- صفایی، حسن (۱۳۹۱ ش). *قواعد عمومی قراردادهای (دوره مقدماتی حقوق مدنی)*، جلد ۲، چاپ ۱۳، تهران: میزان.
- عامری، فیصل، شیر مردی دزکی (۱۳۹۳ ش). «قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲.
- علمیایی، سید محمود؛ حقیقی، محمد؛ آقاییان، جعفر (۱۳۹۰ ش). *کلیات قراردادهای دو عاملی DB & EPC*.

- چاپ ۱، تهران: قرارگاه خاتم الانبیاء (ص).
- فرشادفر، محمدعلی (۱۳۹۰ش). راهنمای عقد قرارداد به روش طرح و ساخت EPC در طرح‌های عمرانی، چاپ ۲، تهران: نشر نوآور.
- قدسی خواه، زهرا؛ زاهدیان، مجتبی (۱۳۹۴ش). «تبیین فقهی فسخ و خاتمه در قراردادهای پیمانکاری»، نشریه فقه و تاریخ تمدن، شماره ۴۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹ش). «مبانی حقوقی انفساخ عقد جایز در اثر مرگ و حجر یکی از دو طرف»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴ش). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۴۵، تهران: میزان.
- کاظمی نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۵ش). «آشنایی با قراردادهای نفتی»، چاپ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- لاجوردی، عرفان؛ حیدری، علی (۱۳۹۴ش). قراردادهای صنعتی، چاپ ۱، تهران: میزان.
- مظاهری کوهانستانی، رسول (۱۳۸۰ش). «جعاله در بانکداری اسلامی، نشریه بانک و اقتصاد»، شماره ۱۹.
- منظور، داود؛ امانی، مسعود؛ کهن هوش نژاد، روح‌الله (۱۳۹۴ش). «بررسی جایگاه حقوقی قراردادهای مشارکت در تولید در قوانین نفت کشور»، نشریه اقتصاد انرژی ایران، شماره ۴.
- موسوی، سیما (۱۳۸۵ش). نقش جدید جعاله در برقراری روابط قراردادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- نقدی دو رباطی، مریم (۱۳۹۰ش). «جعاله در نظام بانکداری اسلامی»، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۷.
- نوروزی، محمد؛ فنوائی، جلیل؛ سید احمدی سجادی، علی (۱۳۹۷ش). «تحلیل حقوقی - اقتصادی قراردادهای طراحی، تدارک و ساخت با رویکرد فقهی»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۵.

References

- Bindemann, Kirsten, 1996, Production-sharing Agreements: An Economic Analysis, Oxford Institute For Energy Studies, October.
- Picha, Jan, Ales Tomek, Hary Lowitt, 2015 "Application of EPC contract in international power projects", Department of construction Management and Economics, faculty of civil Engineering, CZECH Technical University in Prague, Thakurova 7.
- Von Bar, C, Clive, E, Schulte-Nolke, H. 2009, Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law Draft Common Frame of Reference, Outline Edition: Mnchen Sellier European law publisher.

In Persian

- Ettehad, Alimorad (2014), Knowledge of Contracting Profession, Fifth Edition, Tehran: Fadak Isatis Publications.
- Ismaili Herisi, Ibrahim (2006), Legal Commentary on Contracts, Third Edition, Tehran: Management and Planning Organization Publications.
- Eskandari, Hamed (2013), Investigation of the Obligations of Parties in Build-Operate-Transfer

- (BOT) Contracts, Master's Thesis, Law Department, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Shahrood.
- Amani, Masoud (2014), International Oil Contract Law, Second Edition, Tehran: Imam Sadiq University Publications.
- Amani, Masoud; Hamidzadeh, Mohammad Hossein (2015), Legal Analysis of Production Sharing Contracts in the Upstream Oil and Gas Industries and Their Applicability in Iranian Law, Islamic Law Research Journal, 16(1), 151-180.
- Amiri Ghaem Maghami, Abdolmajid (1999), Law of Obligations, Volume One, First Edition, Tehran: Mizan Publications.
- Aminzadeh, Elham; Aghababaei Dehkordi, Peyman (2014), Investigation of Production Sharing Contracts and Comparison of Their Efficiency with Buyback Contracts, Dadgostari Magazine, 78(87), 7-29.
- Ansari, Valiollah (1998), Fundamentals of Administrative Contract Law, First Edition, Tehran: Hoghoughdan Publishing.
- Iranpour, Azam (2015), Comparative Study of Termination in General Contract Conditions and FIDIC Rules, Master's Thesis, Public Law Department, Law Faculty, Islamic Azad University Central Tehran Branch.
- Jafari Langarudi, Mohammad Jafar (1979), Encyclopedia of Civil and Commercial Law, Volume One, First Edition, Tehran: Ganj-e Danesh Publications.
- Jafari Langarudi, Mohammad Jafar (2020), Philosophy of Civil Law, Volume Two, Fourth Edition, Tehran: Ganj-e Danesh Publications.
- Khoshkam, Houshang; Afzaligorooh, Ruhollah (2018), Journal of Political Science, Law, and Jurisprudence Studies, 4(1), 193-203.
- Khorsandian, Mohammad Ali; Amiri, Milad (2018), Comparative Study of the Obligations of Parties in Service Contracts in Iranian and European Law, Comparative Law Studies Journal, 9(1), 121-146.
- Khoie, Abolghasem (1410 AH), Minhajul Salehin, Volume Two, Twenty-eighth Edition, Qom: Madineh al-Elm Publications.
- Darvishi, Babak; Fayyazi, Ruhollah (2012), Buyback Contracts, Civil Law Teachings Journal, Issue 6, 89-114.
- Soltankhah, Hamideh (2013), The Legal Nature of Contract and Its Effects and Types, Master's Thesis, Law Department, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University.
- Saber, Mohammadreza (2013), Countertrade in the Upstream Oil and Gas Sector, Second Edition, Tehran: Dadgostar Publications.
- Sadeghi, Mohsen (2005), Examination of Build-Operate-Transfer (BOT) International Contracts and Their Status in the Iranian Legal System, Business Research Journal, Issue 38, Pages 121-156.
- Safaei, Hasan (2012), General Rules of Contracts (Introductory Course in Civil Law), Volume

- Two, Thirteenth Edition, Tehran: Mizan Publications.
- Ameri, Feysal; Shirmardi Dezki (2014), New Concession Contracts and the Benefits for Oil Producing Countries, *Private Law Research Quarterly*, 2(6), Pages 63-108.
- Olamaei, Seyyed Mahmoud; Haghighi, Mohammad; Aghayaghmaeian, Jafar (2011), *Overview of DB & EPC Dual Contracts*, First Edition, Tehran: Khatam Publications.
- Farshadfar, Mohammadali (2011), *Guide to Contracting by EPC Method in Civil Projects*, Second Edition, Tehran: Noavar Publication.
- Ghodsikhah, Zahra; Zahedian, Mojtaba (2015), Jurisprudential Explanation of Termination and Conclusion in Contracting Contracts, *Journal of Jurisprudence and History of Civilization*, Issue 45, Pages 97-130.
- Katozian, Naser (1990), Legal Foundations of Dissolution of a Permissible Contract Due to Death or Incapacity of One of the Parties, *Journal of the Faculty of Law and Political Science (University of Tehran)*, Issue 25, Pages 127-136.
- Katozian, Naser (2015), *Civil Law in the Current Legal Order*, Forty-Fifth Edition, Tehran: Mizan Publications.
- Kazemi Najafabadi, Abbas (2016), *Introduction to Oil Contracts*, Second Edition, Tehran: Shahr-e Danesh Legal Studies and Research Institute.
- Lajevardi, Erfan; Heidari, Ali (2013), *Industrial Contracts*, First Edition, Tehran: Mizan Publications.
- Mazaheri Kuhanestani, Rasul (2001), Ju'alah in Islamic Banking, *Bank and Economy Journal*, Issue 19, Pages 24-32.
- Manzour, Davoud; Amani, Masoud; Kohan Hoosh Nejad, Roohollah (2015), Examination of the Legal Status of Production Sharing Contracts in the Country's Oil Laws, *Iranian Energy Economy Journal*, 4(15), Pages 183-217.
- Naghdi Dorbati, Maryam (2011), Ju'alah in the Islamic Banking System, *Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 7(24), Pages 175-201.
- Norouzi, Mohammad; Ghanavati, Jalil; Seyyed Ahmadi Sajjadi, Ali (2018), Legal-Economic Analysis of Design, Procurement, and Construction Contracts with a Jurisprudential Approach, *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Research*, 15(54), Pages 149-170.
- Dadmarzi, Seyyed Mehdi; Heidari, Azam; 2018, A Comparative Study of the Nature of Ju'alah in Fiqh al-Imamiyah, Iranian and Western Law, *Comparative Research on Islamic and Western Law*; Issue 2.
- Mousavi, Sima; 2006, *The New Role of Ju'alah in Establishing Contractual Relationships*, Master's Thesis, Shahid Beheshti University (SBU).